

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه

(مطالعه‌ی موردی افراد در شرف ازدواج مراجعه کننده به

مراکز بهداشتی منتخب شهر کرمانشاه)

حسین محمودیان*

سراج‌الدین محمودیانی**

چکیده

در جمعیت‌شناسی باروری مهم‌ترین تعیین‌کننده میزان رشد جمعیت به شمار می‌رود. هدف از بررسی حاضر مطالعه‌ی عوامل مؤثر در تعداد فرزندان دلخواه زنان و مردانی بود که برای انجام آزمایشات پزشکی قبل از ازدواج به مراکز بهداشتی منتخب شهر کرمانشاه مراجعه می‌کردند. روش تحقیق این بررسی پیمایش و نمونه مورد بررسی ۴۰۰ نفر از افراد مذکور می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که الگوی دو فرزندگی الگوی مسلط فرزندانخواهی در بین زنان و مردان مورد مطالعه است و گرایش به جنس پسر در بین زنان و مردان بیشتر از دختر است. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که سن ازدواج زنان، سطح تحصیلات مردان و نیز وجود ترجیح جنسی در بین مردان در متغیر وابسته اثر معنادار دارد، اما در آزمون چند متغیره و با کنترل سایر متغیرها مشخص شد که فقط سن ازدواج زنان در تعداد فرزندان دلخواه اثر معناداری دارد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که بین نگرش افراد با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مختلف به باروری، تفاوت معناداری وجود ندارد. داشتن دو فرزند درون این جامعه اشاعه یافته است و به یک هنجار تبدیل شده است.

واژگان کلیدی

باروری، نگرش به باروری، فرزند خواهی، کرمانشاه

*- دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران hmahmoud@ut.ac.ir

** - دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) seraj_gilan@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

رشد جمعیت حاصل سه عامل مهم جمعیت‌شناختی است که تحت عنوان حرکات جمعیت بررسی می‌شوند و عبارت‌اند از باروری، مرگ و میر و مهاجرت. در بین سه مؤلفه‌ی مذکور، مرگ و میر در نتیجه‌ی پیشرفت‌های پزشکی و بهداشتی کاهش یافته است و در هم‌ی ادوار زمانی سیاست مرتبط با آن همواره متمرکز بر کاهش آن بوده و خواهد بود. بنابراین باروری به عنوان عامل اصلی افزایش جمعیت، تعیین‌کننده‌ی اصلی رشد جمعیت دانسته می‌شود. رفتار باروری، بر اساس محرک‌ها، فرایند تصمیم‌گیری و نگرش‌های مرتبط می‌تواند به عنوان رفتاری اجتماعی که در یک محیط اجتماعی حادث می‌شود، در نظر گرفته شود (محمودیان، ۱۳۷۹: ۱۶۴-۱۴۷).

امروزه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه میزان باروری کل در سطح جانشینی و حتی پایین‌تر از سطح جانشینی را تجربه کرده‌اند. ایران نیز از جمله کشورهایی است که در چند دهه‌ی اخیر افت شدیدی را در نرخ‌های باروری خود داشته است (عباسی‌شوازی و خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲: ۶۴-۴۵). بر اساس مطالعات انجام شده، میزان باروری کل در کشور از سال ۱۳۶۴ شروع به کاهش مستمر کرده است (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۵؛ عباسی‌شوازی و حسینی‌چاوشی، ۱۳۹۰: ۹۱-۱۱؛ Abbasi-Shavazi et al, 2007: 11-91).

که از ۶/۹ فرزند به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ و ۲/۸ در سال ۱۳۷۵ رسید. برآوردها بر اساس پیمایش جمعیت و سلامت سال ۱۳۷۹ نشان داد که میزان باروری کل در دوره‌ی ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ به نزدیک سطح جانشینی یعنی حدود

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه

۲/۲۶ فرزند برای هر زن رسیده بود و سرانجام در سال ۱۳۸۵ به زیر سطح جانشینی یعنی حدود ۱/۹ فرزند برای هر زن رسید. در سال ۱۳۹۰ و بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، باروری در کل کشور به ۱/۸ رسیده بود. در استان کرمانشاه نیز این کاهش باروری چشمگیر مشاهده می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد که میزان باروری کل در این استان از رقم ۶/۱۶ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۵۵ به ترتیب به ۶/۵، ۲/۵ و ۱/۹ فرزند برای هر زن در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹ رسیده است، یعنی باروری به زیر سطح جایگزینی انتقال یافته است (Abbasi-Shavazi and McDonald, 2005; Abbasi-Shavazi, 2000). بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ باروری کل برای استان مورد نظر به ۱/۶ فرزند هم رسیده بود. به دنبال این کاهش باروری مثال بُعد خانوار در این استان در سرشماری‌های سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ از ۴/۲ به ۳/۷ نفر کاهش یافته است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰). بی‌تردید کاهش باروری با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مرتبط است، اما ماهیت و ترکیب خاص هر یک از این عوامل از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت است (Reed et al, 1999). نگرش‌ها مهم‌ترین عوامل شکل دهنده‌ی رفتار محسوب می‌شوند، اما این موضوع را نمی‌توان با قطعیت پذیرفت زیرا فرد در شرایطی ممکن است رفتاری از خود نشان دهد که با نگرش او متفاوت و متضاد باشد. با وجود این - از یک نگاه کلی - رفتار انسان بیانگر نگرش‌های اوست (کریمی، ۱۳۷۹: ۵۸). بر همین اساس شواهدی از باروری ایده‌آل و مقایسه آن با باروری واقعی می‌تواند به درک

بهبتر تغییرات باروری کمک کند. مطالعات نشان داده‌اند که باروری واقعی کمتر از ترجیحات اولیه است که دلایل آن می‌تواند ریشه در رقابت برای کار، اختلال در رابطه‌ی زناشویی و ناباروری داشته باشد (Bongaarts, 2001). همچنین مطابق برخی مطالعات، زنانی که تعداد فرزندان دلخواه بیشتری داشته‌اند باروری بیشتری نیز تجربه کرده‌اند (قدرتی، ۱۳۸۴: ۷۶-۴۳). از سویی دیگر، با توجه به زمینه‌ی فرهنگی ایران و جامعه‌ی مورد مطالعه، مردان نقش مؤثری در تصمیمات خانوادگی و از جمله رفتار باروری دارند. با وجود این بیشتر مطالعات انجام شده در ایران بر نقش زنان در باروری تأکید داشته‌اند. با توجه به مطالب مذکور، هدف از تحقیق حاضر بررسی عوامل مؤثر در تعداد فرزندان دلخواه در بین زنان و مردان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی منتخب شهر کرمانشاه می‌باشد.

۲- مبانی نظری

برای تبیین رفتارهای باروری از تئوری‌های مختلفی استفاده شده است. در دوره‌ای از زمان، مدل‌های اقتصادی پارادایم تبیینی غالب در مطالعات باروری بودند که از کارهای لیبنشتاین^۱ و بکر^۲ در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ شروع شدند. مدل‌های اقتصادی مبتنی بر این فرض بودند که باروری در نتیجه‌ی تصمیم آگاهانه و کنش هدفمند اتفاق می‌افتد (Robin-son, 1997: 63-74). طبق تئوری اقتصاد خرد فرزندان کالاهای مصرفی با دوام

1. Leibenstein

2. Becker

هستند که طی دوره‌ای طولانی از زمان رضایتی را به همراه می‌آورند. بکر بر اساس همین چارچوب اقتصاد خرد بحث کرده است (لوکاس و میر، ۱۳۸۱). بکر معتقد است زن و شوهر، کودکان را نیز همانند سایر کالاها ارزیابی می‌کنند. دستیابی به ثروت بیشتر، یکی از ارزش‌هایی است که والدین قصد دارند در حد بالایی آن را داشته باشند. به نظر می‌رسد والدین خواستار ثروت بیشتر، والدین تحصیل‌کرده‌ای هستند که رتبه‌ی شغلی آنها بالا و هزینه‌ی فرصت‌هایشان زیاد ولی خواستار فرزندان کمتری هستند (Friedman et al, 1994: 375-401). تئوری جریان ثروت بین نسلی کالدول، رابطه‌ی مستقیمی را بین ساختار خانواده و باروری متصور می‌شود. وی بر این باور است که در جوامع از هر نوع و با هر سطح توسعه‌ای که باشند رفتار باروری، رفتاری عقلانی است (Caldwell, 1976: 321-366). باروری خواه بالا باشد یا پایین، شرایط اجتماعی آن را تعیین می‌کند و ثروت تأثیرانگیزترین عامل این جریان است، و در جوامع سنتی از فرزندان به والدین بود. همچنین از نظر دیویس و بلیک^۱ یکی از عوامل مؤثر در باروری سن ازدواج می‌باشد (Bongaarts and Potter, 2011). مک‌نیکل و گرین‌هال در تبیین رفتار باروری بر عوامل نهادی تأکید دارند (عباسی‌شوای، ۱۳۸۰: ۲۳۱-۲۰۱). استرلین و همکاران بر تغییرات ساختاری در اقتصاد، افزایش تقاضا برای مهارت و تخصص‌ها و میزان در دسترس بودن کالاهای مصرفی تأکید دارند (Easterlin et al, 1980: 81-151). آنها بر این باورند که عوامل مذکور ارزش فرزندان را تغییر می‌دهند

1. Davis and Black

و باعث می‌شوند والدین به سمت داشتن فرزند کمتر حرکت کنند. به طور کلی استرلین در نظریه‌ی خود یعنی «چارچوب عرضه و تقاضای فرزندان» سطح باروری یک جامعه را از انتخاب زوجین - که بر اساس زمینه‌های فرهنگی و خانوادگی آنها شکل می‌گیرد - متأثر می‌داند (Easterlin, 1985). تئوری کاربردی دیگر در این زمینه نظریه‌ی اشاعه^۱ است. نظریه‌ی اشاعه، فرایند اجتماعی نوآوری (ایده‌های جدید، شیوه‌های علمی جدید، استفاده از وسایل و ابزارهای جدید و هدف‌های جدید) و چگونگی دستیابی به آن و نحوه‌ی گسترش آن به تمامی یک نظام اجتماعی را بررسی می‌کند. اشاعه فرایندی است که به واسطه‌ی آن نوآوری از مجاری معین و در طول دوره‌ی زمانی خاصی در میان اعضای یک نظام اجتماعی رواج می‌یابد. تئوری اشاعه برگرفته از این ایده است که تعامل یک ساز و کار کلیدی است که از آن طریق پذیرش نوآوری‌ها، ایده‌ها و رفتارهای جدید اتفاق می‌افتد (Read, 1999). مدل اشاعه، پذیرش تغییر یا نوآوری به وسیله‌ی مردم در طول زمان را توصیف می‌کند. طبق این تئوری کاهش باروری در نتیجه‌ی افزایش شیوع نگرش و رفتارهایی است که در جامعه پیش از این بسیار نادر بوده یا وجود نداشته‌اند و افزایش شیوع آنها از پیامدهای گسترش این نگرش‌ها و رفتارها از بخشی از جمعیت به بخش‌های دیگر است (Casterline, 2001). به عبارتی بر اساس نظریه‌ی اشاعه، کاهش باروری ابتدا بین افراد خاصی از یک جامعه که ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص خود را دارند نضج

1. Diffusion theory

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندانِ دلخواه

می‌گیرد، اما در ادامه و با گذشت زمان این رفتار (کاهش تعداد فرزندان) به سایر افراد و بخش‌های جامعه منتقل می‌شود و شاید بتوان گفت به صورت یک گفتمان درمی‌آید.

۳- پیشینه‌ی پژوهش

شهبازی در یک تحقیق به بررسی اثر متغیر ترجیح جنسی در رفتار باروری پرداخته بود. نتیجه‌ی مطالعه‌ی وی نشان داد که ترجیح جنسی در باروری اثر معناداری ندارد (شهبازی، ۱۳۷۷: ۱۱۲-۹۷). عباسی‌شوازی و همکاران در یک مطالعه به بررسی دیدگاه زنان یزدی درباره‌ی باروری و با استفاده از روش کیفی پرداختند. نتیجه‌ی مطالعه‌ی آنها نشان داد که تعداد فرزندان ایده‌آل زنان مورد مطالعه نسبت به سال‌های گذشته کاهش داشته و عمدتاً تعداد ۲ فرزند را به عنوان تعداد فرزند ایده‌آل خود اعلام داشتند، ولی با این وجود اعتقادی به سیاست تک‌فرزندی نداشتند. بر اساس نتیجه‌ی حاصل از این پژوهش رفتارهای جمعیت‌شناسی گروه‌های مختلف اجتماعی به هم نزدیک شده و تفاوتی بین افراد باسواد و بی‌سواد، مرفه و غیرمرفه از نظر اقتصادی در مورد تعداد فرزندان ایده‌آل وجود ندارد (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۱۶۹). عباسی‌شوازی و همکاران در یک مطالعه با عنوان «تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان» نتیجه گرفته‌اند که با افزایش سطح تحصیلات تعداد فرزندان ایده‌آل زنان کاهش می‌یابد. در این پژوهش زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل در زمان ازدواج تعداد فرزندان ایده‌آل کمتری داشته‌اند (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۳). منصوریان

و خوشنویس در مطالعه‌ی خود با عنوان «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسر دار به رفتار باروری در بین زنان تهرانی» به این نتیجه رسیدند که سطح تحصیلات زنان و ترجیح جنسی در رفتار باروری آنها اثر می‌گذارد (منصوریان و خوشنویس، ۱۳۸۵). اکبری و همکاران در یک تحقیق در استان آذربایجان غربی نشان دادند که زنان جوان تمایل کمتری به داشتن فرزند زیاد دارند (اکبری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۰). قاضی طباطبایی و مهری (۱۳۹۲) در یک تحقیق اثر اشتغال در باروری را بررسی کردند. مطابق نتیجه‌ی حاصل از این مطالعه، زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل زمان بیشتری به فعالیت می‌پردازند و این باعث می‌شود تصمیم به فرزندآوری کمتری داشته باشند. لم در یک بررسی نتیجه گرفت که اشتغال و داشتن تحصیلات عالی در بین زنان در کاهش باروری اثر معناداری دارد (Lam, 2007). کرینفلد و کونیترکا در مطالعه‌ی خود با عنوان «باروری و تحصیلات در آلمان» نتیجه گرفتند که زنان با تحصیلات بالاتر در مقایسه با زنان با تحصیلات پایین‌تر تمایل کمتری به فرزند زیاد دارند (Kreyenfeld and konietzka, 2008: 165-183). کیانی در یک مطالعه با عنوان «نگرش زنان به باروری در ایران: مطالعه‌ی موردی اصفهان» نتیجه گرفت که اشتغال و تحصیلات در نگرش زنان به باروری تأثیر دارد (Kiani, 2011: 398-401).

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به تئوری بکر انتظار می‌رود افراد با تحصیلات بالاتر به دنبال ثروت بیشتری در زندگی هستند و لذا در مقایسه با افراد با تحصیلات کمتر،

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه

باروری پایین‌تری را دنبال می‌کنند. این موضوع در مورد افراد با پایگاه خانوادگی بالا و نیز افراد شاغل می‌تواند صادق باشد. بر اساس نظریه‌ی دیویس و بلیک نیز می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که سن ازدواج در رفتار باروری افراد اثرگذار باشد. به عبارتی افرادی که در سنین متفاوتی ازدواج کرده‌اند رفتار باروری متفاوتی از خود بروز خواهند داد. در چارچوب عرضه و تقاضای استرلین نیز یکی از عوامل تأثیرگذار در باروری عوامل فرهنگی است. یکی از عوامل فرهنگی نیز می‌تواند بود یا نبود ترجیح جنسی بین افراد آن جامعه باشد. در مجموع و بر اساس مطالب فوق، احتمال داده می‌شود که افراد شاغل و افراد با تحصیلات بیشتر تعداد فرزند کمتری را بخواهند. افرادی که ترجیح جنسی دارند، بالقوه تعداد فرزندان دلخواه بیشتری دارند تا به ترکیب جنسی مورد نظر برسند. افرادی که منشأ خانوادگی با پایگاه بالا دارند و به عبارتی پدر و مادر با تحصیلات بالاتر و درآمد بالا داشته باشند، تمایل به داشتن فرزند کمتر دارند.

۵- روش‌شناسی

داده‌های استفاده شده در این مطالعه حاصل یک پیمایش است که در فروردین ماه ۱۳۹۲ در شهر کرمانشاه اجرا شد. در این تحقیق برای اندازه‌گیری مفاهیم و متغیرها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. جمعیت آماری در این تحقیق کلیه‌ی افراد در شرف ازدواج است که برای انجام آزمایشات پزشکی قبل از ازدواج به مراکز بهداشتی-درمانی سطح شهر مراجعه می‌کردند. شهر کرمانشاه ۶ منطقه‌ی شهرداری دارد. این مناطق ابتدا

از نظر اقتصادی و اجتماعی در سه طبقه (بالا، پایین و متوسط) دسته‌بندی شدند. سپس از هر طبقه یک منطقه به تصادف انتخاب شد تا نماینده‌ی وضعیت اقتصادی اجتماعی آن طبقه باشد. در نهایت نیز با مراجعه به یک مرکز بهداشتی در آن منطقه داده‌ها جمع‌آوری شد. لازم به توضیح است که دلیل انتخاب نمونه‌ی بررسی شده این بود که این افراد در شرف ازدواج بودند و هنوز تجربه‌ی فرزندآوری نداشتند؛ لذا تعداد فرزندان دلخواه آنها هنوز به دلیل تجربه‌ی زندگی مشترک دستخوش تغییر نبوده است. از آنجایی که نمونه‌ی این مطالعه، افراد در حال ازدواج بود - نه لزوماً افرادی که در سن ازدواج قرار داشتند - لذا بهترین مکان دسترسی به آنها همان مراکز بهداشتی - درمانی است که برای انجام مراحل پزشکی مراجعه کرده بودند. نمونه‌ی آماری شامل ۴۰۰ نفر از افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی منتخب می‌باشد که به منظور جلوگیری از هم‌پوشانی داده‌ها، از هر زوج مراجعه کننده فقط به ۱ نفر از آنها مراجعه و داده‌ها جمع‌آوری شد. بنابراین نمونه مورد بررسی در این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر زن و ۲۰۰ نفر مرد می‌باشد. اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز با انجام یک پیش‌آزمون و با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی بررسی و تأیید شد.

۶- تعریف متغیرها

متغیرهای مستقل در این تحقیق شامل سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، پایگاه خانوادگی، سن به هنگام ازدواج، فاصله‌ی مناسب فرزندان و ترجیح جنسی و متغیر وابسته نیز تعداد فرزندان دلخواه در آینده می‌باشد. در این

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه

تحقیق، وضعیت تحصیلی به طبقات بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دیپلم یا پیش دانشگاهی، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر تقسیم شده است. وضعیت اشتغال در این تحقیق به دو طبقه‌ی شاغل و غیرشاغل تقسیم شده است.

پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده وضعی است که یک شخص یا گروه در یک نظام اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۳). با توجه به اینکه در بیشتر مطالعات مرتبط قبلی پایگاه خانواده از ترکیب سه مقیاس سطح تحصیلات مادر و پدر و همچنین میزان درآمد خانواده ساخته شده بود، در این تحقیق نیز از همین تعریف استفاده شد. سن به هنگام ازدواج در قالب یک سؤال باز سنجیده شده است.

منظور از نگرش‌های جنسی در این مطالعه علاقه و ترجیح افراد به داشتن فرزندی از یک جنس است که در مطالعه‌ی حاضر این مفهوم از طریق این سؤال سنجش شده است: «اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید دوست دارید دختر باشد یا پسر؟». در این تحقیق برای سنجش تعداد فرزندان دلخواه افراد در شرف ازدواج از آنها سؤال شد که «شما دوست دارید چند فرزند داشته باشید؟».

۷- یافته‌های پژوهش

جدول شماره‌ی ۱ ویژگی‌های نمونه‌ی مورد بررسی بر حسب برخی از متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸۴ درصد زنان شاغل و تنها ۱۶ درصد آنان شاغل می‌باشند. همچنین بر اساس اطلاعات

جدول مشخص شد که ۷۴ درصد زنان مورد بررسی تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند. این موضوع نشان می‌دهد که زنان مورد بررسی به طور گسترده به سطوح عالی دانشگاهی رسیده‌اند و از مردان با تحصیلات دانشگاهی پیشی گرفته‌اند، ولی با وجود این پیشرفت در آموزش، هنوز زیرساخت‌های لازم برای ورود زنان تحصیل کرده به بازار کار در جامعه مورد مطالعه محقق نشده است و فقط ۱۶ درصد آنها شاغل شده‌اند. دامنه‌ی سنی مردان هنگام ازدواج از ۱۷ تا ۴۵ سال در نوسان بوده است. بیشتر مردان (۳۹/۵ درصد) در فاصله‌ی ۲۷ تا ۳۱ سالگی ازدواج کرده‌اند. زنان مورد مطالعه در دامنه‌ی سنی ۱۶ تا ۳۱ سالگی ازدواج کرده‌اند. در مجموع نیز ۷۳ درصد زنان مورد بررسی زیر ۲۶ سالگی ازدواج کرده‌اند. در پاسخ به سؤال مربوط به سنجش ترجیح جنسی معلوم شد که ۳۴ درصد زنان در صورت داشتن ۱ فرزند ترجیح می‌دهند آن فرزند پسر باشد و ۱۹ درصد آنها نیز تمایل به فرزند دختر داشته‌اند. همچنین حدود ۳۷ درصد مردان در صورت داشتن یک بچه ترجیح می‌دهند پسر باشد و فقط ۹ درصد آنها به داشتن دختر اظهار تمایل کرده‌اند. مابقی زنان و مردان اظهار نموده‌اند که بین داشتن فرزند دختر و پسر تفاوتی قائل نیستند.

جدول ۱. توزیع افراد نمونه بر حسب متغیرهای مستقل تحقیق

توزیع درصدی		متغیر
زن	مرد	سطح تحصیلات
۷/۵	۱۲	زیر دیپلم
۱۸/۵	۱۸	دیپلم
۷۴	۷۰	بالتر از دیپلم
۱۰۰	۱۰۰	کل
زن	مرد	وضعیت اشتغال
۱۶	۶۷/۵	شاغل
۸۴	۳۲/۵	غیر شاغل
۱۰۰	۱۰۰	کل
زن	مرد	توزیع جنسی
۱۹	۹/۵	دختر
۳۴	۳۷/۵	پسر
۴۷	۵۳	فرقی نمی‌کند
۱۰۰	۱۰۰	کل
مرد		سن ازدواج
درصد تجمعی	درصد	
۶/۵	۶/۵	
۴۴	۳۷/۵	
۸۳/۵	۳۹/۵	
۹۵/۵	۱۲	

توزیع درصدی		متغیر
۹۸/۵	۳	۳۷-۴۱
۱۰۰	۱/۵	۴۲-۴۵
-	۱۰۰	کل
زن		سن ازدواج
درصد تجمعی	درصد	
۱۵	۱۵	۱۶-۲۰
۷۳	۵۸	۲۱-۲۵
۹۶	۲۳	۲۶-۳۰
۱۰۰	۴	۳۱-۳۵
-	۱۰۰	کل

در جدول شماره ۲ پاسخ افراد مورد تحقیق به سؤال «دوست دارید چند فرزند داشته باشید» منعکس شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، فقط ۱ درصد زنان نمی‌خواهند فرزند داشته باشند. حدود ۲۴ درصد آنها می‌خواهند فقط ۱ بچه داشته باشند. ۵۶ درصد زنان مورد تحقیق تمایل دارند که ۲ فرزند داشته باشند که بیشترین نسبت نیز می‌باشد. در بین مردان نیز الگوی ۲ فرزندگی الگوی غالب فرزند خواهی بوده است. بنابراین می‌توان الگوی باروری ۲ فرزندگی را الگوی غالب تعداد فرزندان دلخواه در بین نمونه‌ی مورد بررسی به شمار آورد. نکته‌ی تأمل برانگیز دیگر اینکه تنها ۱ درصد زنان و ۲ درصد مردان بیشتر از ۴ بچه می‌خواهند یعنی باروری بیشتر

از ۴ فرزند در جامعه مورد نظر را می‌توان منسوخ شده دانست.

جدول ۲. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب تعداد فرزندان دلخواه (متغیر وابسته‌ی تحقیق)

مرد			زن			تعداد فرزندان دلخواه
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
-	-	-	۱	۲	۲	هیچ
۲۳/۵	۲۳/۵	۴۷	۲۵/۵	۲۴/۵	۴۹	۱
۸۲/۵	۵۹	۱۱۸	۸۱/۵	۵۶	۱۱۲	۲
۹۲	۹/۵	۱۹	۹۲/۵	۱۱	۲۲	۳
۹۸	۶	۱۲	۹۹	۶/۵	۱۳	۴
۹۹	۱	۲	۹۹/۵	۰/۵	۱	۵
-	-	-	۱۰۰	۰/۵	۱	۶
۱۰۰	۱	۲	-	-	-	۸
	۱۰۰	۲۰۰	-	۱۰۰	۲۰۰	کل

در جداول شماره‌ی ۳ و ۴ نتایج آزمون فرضیات ارائه شده است. در بررسی رابطه‌ی سن ازدواج و تعداد فرزندان دلخواه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتیجه‌ی ضریب همبستگی برای زنان نشان داد که رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد نظر در نمونه‌ی بررسی شده وجود دارد، یعنی با افزایش سن ازدواج تعداد فرزند دلخواه زنان در نمونه‌ی بررسی شده بیشتر می‌شود. رابطه‌ی مذکور برای مردان غیر معنادار گردید. در بررسی رابطه‌ی بین سطوح تحصیلات و تعداد فرزندان دلخواه مشخص شد که رابطه‌ی فوق برای زنان مورد نظر غیر معنادار و مستقیم است. رابطه‌ی فوق

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

برای مردان برابر (۰/۱۸) و معنادار گردید. در ادامه به بررسی رابطه‌ی بین پایگاه خانوادگی و متغیر وابسته پرداختیم که ضریب همبستگی به دست آمده برای زنان و مردان به ترتیب برابر (۰/۰۸-) و (۰/۰۳-) بود یعنی با افزایش پایگاه خانوادگی، افراد تمایل دارند بچه‌ی کمتری داشته باشند اما این روابط نیز معنادار نبود.

جدول ۳. رابطه‌ی سن ازدواج، سطح تحصیلات و پایگاه خانوادگی افراد با تعداد فرزندان دلخواه

آنها به تفکیک جنس

تعداد فرزندان دلخواه			
۰/۱	همبستگی پیرسون	مرد	سن ازدواج
۲۰۰	تعداد		
۰/۱۵°	همبستگی پیرسون	زن	
۲۰۰	تعداد		
۰/۱۸°	همبستگی پیرسون	مرد	سطح تحصیلات
۲۰۰	تعداد		
۰/۱	همبستگی پیرسون	زن	
۲۰۰	تعداد		
-۰/۰۸	همبستگی پیرسون	مرد	پایگاه خانوادگی
۲۰۰	تعداد		
-۰/۰۳	همبستگی پیرسون	زن	
۲۰۰	تعداد		

معناداری در سطح ۵ درصد

برای بررسی رابطه‌ی بین وضعیت اشتغال و ترجیح جنسی با متغیر وابسته از آزمون تفاوت میانگین T استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه

گزارش شده است. همان طوری که از اطلاعات جدول مذکور برمی‌آید وضعیت اشتغال و ترجیح جنسی اثر معناداری در تعداد فرزندان دلخواه زنان ندارند. از نظر وضعیت اشتغال زنان غیر شاغل تمایل به داشتن بیش از ۲ بچه دارند، اما زنان شاغل کمتر از ۲ بچه می‌خواهند. زنانی که ترجیح جنسی آنها پسر است - یعنی تمایل دارند فرزند پسری داشته باشند - نسبت به زنانی که ترجیح جنسی آنها دختر است، بیشتر تمایل داشتند که فرزند بیشتری به دنیا بیاورند. وضعیت اشتغال مردان اثر معناداری در تعداد فرزندان دلخواه آنها ندارد، با وجود این مردان شاغل در مقایسه با مردان غیر شاغل دوست دارند بچه‌ی کمتری داشته باشند. در مورد زنان نیز چنین بود. در متغیر ترجیح جنسی نیز مردانی که به جنس پسر ترجیح داشته‌اند، دوست دارند فرزند بیشتری داشته باشند. این نتیجه نیز با نتیجه‌ی حاصل از پاسخ زنان یکسان است، اما رابطه‌ی مذکور برای زنان معنادار نشده بود در حالی که برای مردان ترجیح جنسی اثر معناداری در تعداد فرزندان دلخواهشان دارد.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین تعداد فرزندان دلخواه بر حسب

وضعیت اشتغال و ترجیح جنسی

میانگین تعداد فرزندان دلخواه			
زن	مرد		
۱/۹	۱/۹	شاغل	وضعیت اشتغال
۲/۱	۲/۲	غیر شاغل	
T=۰/۸ Sig=۰/۴		T = -۱/۷ Sig = ۰/۰۹	
نتایج آزمون			

میانگین تعداد فرزندان دلخواه			
زن	مرد		
۱/۷	۱/۷	دختر	ترجیح جنسی
۲/۰۸	۲/۲	پسر	
T= ۱/۶ Sig = ۰/۰۹		T= -۳/۷ Sig = ۰/۰۰۳	
نتایج آزمون			

برای اینکه بتوان اثر هر متغیر مستقل در متغیر وابسته را با کنترل سایر متغیرها نشان داد از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد و نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است. چنان که روابط دو متغیره نشان داد، با افزایش سن ازدواج تمایل زنان برای داشتن فرزندان بیشتر می شود و با کنترل سایر متغیرها نیز این رابطه معنادار و مثبت به دست آمد. برای مردان رابطه‌ی مذکور معنادار نشده است. در متغیر ترجیح جنسی نیز با کنترل سایر متغیرها، رابطه‌ی مذکور برای مردان و زنان معنادار نشده است. لازم به ذکر است که در روابط دو متغیره نتیجه گرفته شد که ترجیح جنسی اثر مثبت و معناداری در تعداد فرزندان دلخواه مردان دارد که در تحلیل چند متغیره و با کنترل سایر متغیرها معناداری خود را از دست داد. این موضوع بدین معناست که رابطه‌ی اولیه‌ی ترجیح جنسی و تعداد فرزندان دلخواه در بین مردان واقعی نبوده است. بر اساس اطلاعات جدول و با کنترل سایر متغیرها زنان و مردان شاغل در مقایسه با هم‌تایان غیر شاغل خود تعداد فرزند کمتری می‌خواهند، اما این رابطه معنادار نیست. پایگاه خانوادگی نیز اثر غیر معنادار و معکوس در تعداد فرزندان دلخواه زنان و مردان مورد بررسی دارد که این رابطه نیز در

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه

روابط دو متغیره به دست آمده بود. بر اساس آزمون فرضیات با افزایش سطح تحصیلات، تعداد فرزندان دلخواه زنان بیشتر می‌شود، اما رابطه غیر معنادار بود که با کنترل سایر متغیرها و با توجه به جدول شماره‌ی ۴ معلوم شد که این رابطه کماکان غیر معنادار ولی معکوس است. برای مردان رابطه‌ی فوق معنادار گردیده بود که در تحلیل چند متغیره معناداری خود را از دست داده است. با توجه به ضریب تعیین به دست آمده مدل استفاده شده به ترتیب ۶ و ۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی تعداد فرزندان دلخواه مردان و زنان را تبیین می‌کند.

جدول ۵. نتایج آزمون اثر هر متغیر مستقل در متغیر وابسته با کنترل سایر متغیرهای تحقیق

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل	
		Beta	Std. Error	B		
۰/۵۰۲	۰/۶۷۵		۰/۷۲۶	۰/۰۴۹۰	(مقدار ثابت)	مرد
۰/۴۶۴	۰/۷۳۶	۰/۰۸۵	۰/۰۲۲	۰/۰۱۶	سن ازدواج	
۰/۰۷۴	۱/۸۰۷	۰/۱۹۳	۰/۲۳۷	۰/۴۸۲	ترجیح جنسی	
۰/۳۴۶	۰/۹۴۸	۰/۱۰۱	۰/۲۰۱	۰/۱۹۰	وضعیت اشتغال	
۰/۷۲۹	-۰/۳۴۸	۰/۰۳۹	۰/۰۲۴	۰/۰۰۸	پایگاه خانوادگی	
۰/۱۴۸	-۱/۴۸۵	۰/۱۷۰	۰/۰۸۵	-۰/۱۲۴	سطح تحصیلات	
R=۰,۳۳		R ² =۰,۱۱		Adj. R ² =۰,۰۶		

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		Beta	Std. Error	B	
۰/۳۹۷	۰/۸۵۰		۰/۸۶۴	۰/۷۳۵	(مقدار ثابت)
۰/۰۳۸	۲/۱۰۲	۰/۲۸۱	۰/۰۳۳	۰/۰۶۹	سن ازدواج
۰/۳۹۸	۰/۸۴۹	۰/۰۹۰	۰/۱۹۸	۰/۱۶۸	ترجیح جنسی
۰/۸۶۳	۰/۱۷۳	۰/۰۲	۰/۲۵۹	۰/۰۴۵	وضعیت اشتغال
۰/۹۹۵	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۱	۰/۰۲۴	-۰/۰۰۰	پایگاه خانوادگی
۰/۳۶۳	۰/۹۱۴	-۰/۱۰۹	۰/۰۸۰	۰/۰۷۳	سطح تحصیلات
R=۰/۲۹		R ² =۰/۰۸		Adj. R ² =۰/۰۴	

۸- بحث و نتیجه گیری

باروری مهم ترین عامل مؤثر در رشد جمعیت است. در سال های اخیر در بیشتر کشورها با سطوح مختلف توسعه میزبان باروری کل کاهش یافته است. در ایران نیز در دهه های اخیر باروری کاهش چشمگیری داشته است، به طوری که از رقم حدود ۷ فرزند برای هر زن در اوایل دهه ی ۱۳۶۰ به رقم زیر ۲ رسیده است. در استان کرمانشاه نیز همان طوری که در مقدمه اشاره شد، باروری کاهش یافته است و به زیر سطح جایگزینی رسیده است. هدف از بررسی حاضر، مطالعه ی عوامل مؤثر در تعداد فرزندان دلخواه زنان و مردان در شرف ازدواج در مراجعه کننده به مراکز بهداشتی منتخب

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه

در شهر کرمانشاه بود. یافته‌های توصیفی نشان داد که در جامعه‌ی مورد مطالعه فرزند پسر بر دختر ترجیح داده می‌شود، بنابراین می‌توان ترجیح جنسی را از ویژگی‌های فرهنگی این جامعه به شمار آورد. از دیگر نکات حائز اهمیت این است که الگوی ۲ فرزندی، الگوی رایج فرزندخواهی به شمار می‌رود. در تحلیل رگرسیون چند متغیره معلوم شد که با کنترل سایر متغیرها تحصیلات اثر معناداری در تعداد فرزندان دلخواه ندارد، اما جهت رابطه منفی بود، یعنی با افزایش تحصیلات تعداد فرزندان دلخواه افراد کمتر می‌شود. برخی مطالعات پیشین نشان داده بودند که تحصیلات در نگرش به باروری اثرگذار است (Kreyenfeld, and Konietzka, 2008; kiani, 2011) که در مطالعه‌ی حاضر به دلیل بافت سنتی جامعه‌ی مورد مطالعه این نتیجه به دست نیامد. پایگاه خانوادگی زنان و مردان نیز رابطه‌ی منفی و غیر معنادار با تعداد فرزندان دلخواه دارد، یعنی افرادی که پدر و مادر با تحصیلات بیشتر و نیز درآمد خانوادگی بالاتری دارند، تمایل به داشتن تعداد فرزندان کمتری دارند، اما نکته‌ی اصلی این است که این دو متغیر اثر معناداری در تعداد فرزندان دلخواه افراد نداشته‌اند یعنی بین افراد با منشأ اقتصادی - اجتماعی گوناگون و سطح سواد گوناگون دیگر تفاوت معناداری از نظر تعداد بچه‌های دلخواه وجود ندارد. این یافته به نوعی در مطالعه‌ی عباسی شوازی در بین زنان یزدی نیز به دست آمده است (عباسی شوازی، ۱۳۸۱). همان‌طور که اکبری و همکاران در مطالعه‌ی خود در بین زنان استان آذربایجان غربی نشان دادند، زنان جوان‌تر تمایل دارند که فرزند کمتری داشته باشند (اکبری و

همکاران، ۱۳۸۷) در نمونه‌ی مورد مطالعه‌ی این تحقیق نیز با افزایش سن ازدواج تمایل به تعداد فرزندان دلخواه بیشتر شده است که رابطه‌ی معنادار بود. به عبارتی دیگر، زنان جوان‌تر در مقایسه با هم‌تایان مسن‌تر خود دوست دارند بچه‌های کمتری به دنیا بیاورند. رابطه‌ی فوق در بین مردان نمونه مورد بررسی معنادار نگردید. چنان‌که در سطرهای پیشین توضیح داده شد، زنان و مردان مورد بررسی گرایش به داشتن فرزند پسر دارند. یکی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه‌ی مورد نظر این است که فرزند پسر تداوم بخش نسل و دودمان خانواده‌ی پدری محسوب می‌شود و شاید ترجیح جنسی پسر از سوی مردان در این ویژگی فرهنگی ریشه داشته باشد. از طرف دیگر، زنانی که فرزند پسر به دنیا بیاورند احترام خاصی نزد خانواده‌ی همسر دارند و این موضوع باعث می‌شود زنان فرزندآوری خود را تا رسیدن به فرزند پسر از جنس دلخواه خود ادامه دهند. در تحلیل رگرسیون معلوم شد هر چند بین ترجیح جنسی و تعداد فرزندان دلخواه رابطه‌ی معناداری وجود ندارد، اما جهت رابطه مثبت بود، یعنی افرادی که ترجیح جنسی داشتند تمایل دارند بچه‌ی بیشتری داشته باشند. این یافته با نتیجه‌ی مطالعه‌ی شهبازی (۱۳۷۷) که نشان داد ترجیح جنسی با باروری ایده‌آل رابطه‌ی معناداری ندارد (شهبازی، ۱۳۷۷) هماهنگ است. نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که زنان و مردان شاغل در مقایسه با هم‌تایان غیرشاغل خود گرایش به داشتن بچه‌ی کمتری داشته‌اند، البته اختلاف آن دو بسیار ناچیز و غیر معنادار است. این یافته با نتیجه‌ی لم از مطالعه‌اش - که نشان داده بود اشتغال بر باروری اثر معنادار دارد

(Lam, 2007) - همخوانی ندارد، اما با برخی مطالعات در ایران که دریافته بودند زنان ازدواج کرده‌ی شاغل در مقایسه با هم‌تایان غیرشاغل خود گرایش کمتری به فرزندآوری بیشتر دارند (قاضی طباطبایی و مهری، ۱۳۹۲؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳) هماهنگ است. در پایان باید خاطر نشان کرد که متغیرهایی همانند وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده دیگر تبیین‌کننده‌ی رفتار باروری افراد نیست. به عبارتی نوعی همگرایی در بین افراد در نگرششان به باروری شکل گرفته است که دیگر ارتباطی با شاغل بودن یا نبودن، تحصیلات عالی‌ه داشتن یا نداشتن، ندارد. شاید بتوان گفت کم فرزندخواهی به یک هنجار تبدیل شده است و در بین نمونه‌ی مورد بررسی اشاعه پیدا کرده است. برخی مطالعات نیز نشان داده‌اند که کم فرزندآوری مشخصاً در بین زنان به یک کنش اجتماعی گسترده تبدیل شده و شیوع پیدا کرده است (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمودیان و رضایی، ۱۳۹۱). زنان با ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی مختلف، در مورد باروری به نگرشی تقریباً مشابه رسیده‌اند و مهم‌ترین دلیل زنان برای کم فرزندآوری به مفهوم خود-حمایتی برگشته است، یعنی زنان به خود جسمانی، روانی و اجتماعی‌شان اهمیت می‌دهند. بنابراین تصور می‌شود که بهترین تبیین برای چنین رفتار باروری‌ای تأکید بر نظریه‌ی اشاعه‌ی ایده‌ها باشد که در بخش تئوری‌های تبیین‌کننده‌ی باروری بحث شد. کاهش باروری ابتدا در بین افراد با سطح تحصیلات بالا و موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی بالا اتفاق می‌افتد و سپس این ایده یعنی تمایل به داشتن فرزند کم به سایر بخش‌های

جامعه اشاعه می‌یابد. از آنجایی که تصمیم‌گیری در خصوص رفتار باروری و فرزندآوری در چارچوب خانواده و با توافق زوجین صورت می‌گیرد و چون زوجین فارغ از مشخصات اقتصادی و اجتماعی‌شان به نگرشی تقریباً مشابه در خصوص تعداد فرزندان ایده‌آل رسیده‌اند؛ لذا اعمال سیاست‌های جمعیتی خاصی همانند سیاست افزایش باروری و موفقیت چنین برنامه‌هایی در چنین جوامعی بسیار مشکل به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه تعداد فرزندان دلخواه در جامعه مورد مطالعه برای مردان و زنان بیش از ۲ فرزند است، بهترین سیاست جمعیتی که در حال حاضر می‌توان در پیش گرفت این است که با بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه، زمینه‌ای فراهم نمود تا خانواده‌ها بتوانند حداقل باروری خواسته خود را محقق کنند. با تحقق این باروری خواسته که باروری بالاتر از سطح جانشینی است از دامنه نگرانی‌هایی که امروزه در خصوص آینده جمعیت وجود دارد نیز کاسته می‌شود.

منابع

- ◀ اکابری، آرش، محمود محمودی، حجت زراعتی و فرشته مجلسی. «بررسی ارتباط عوامل اجتماعی-اقتصادی و دموگرافیک با باروری»، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دوره ۱۵، ش ۱، (۱۳۸۷).
- ◀ ساروخانی، باقر ۱۳۷۰. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش.
- ◀ شهبازی، عباس. «برخی از عوامل اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری شهرستان نهاوند»، جمعیت، ش ۱۹ و ۲۰، (۱۳۷۷).
- ◀ عباسی‌شواری، محمدجلال. «همگرایی رفتارهای باروری در ایران؛ میزان، روند و الگوی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۸، (۱۳۸۰).
- ◀ عباسی‌شواری، محمد جلال، میمنت حسینی‌چاوشی، پیتر مک‌دونالد و بهرام دلاور ۱۳۸۳. تحولات باروری در ایران، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ◀ عباسی‌شواری، محمدجلال و زهره خواجه‌صالحی. «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، ش ۱، (۱۳۹۲).
- ◀ عباسی‌شواری، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن. «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵، (۱۳۸۴).
- ◀ عباسی‌شواری، محمدجلال و میمنت حسینی‌چاوشی. «تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، نشریه اخلاق: مطالعات معرفتی در دانشگاه آزاد اسلامی، ش ۴۸، (۱۳۹۰).
- ◀ عباسی‌شواری، محمدجلال، پیتر مک‌دونالد، میمنت حسینی‌چاوشی و زینب کاوه‌فیروز. «بررسی دیدگاه زنان درمورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، (۱۳۸۱).
- ◀ قاضی طباطبایی، محمود و نادر مهری. «سنجش تأثیر مسئولیت زنان شاغل بر باروری

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

- در ایران»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، ش ۱، (۱۳۹۲).
- ◀ قدرتی. «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر رفتار باروری در مناطق روستایی با استفاده از مدل ترکیبی (مطالعه موردی شهرستان سبزوار: دهستان بیهق)»، جمعیت، ش ۵۳ و ۵۴، (۱۳۸۴).
- ◀ کریمی، یوسف ۱۳۷۹. نگرش و تغییر نگرش، تهران، ارسباران.
- ◀ لوکاس، دیوید و پاول میر ۱۳۸۱. *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه‌ی حسین محمودیان، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ محمودیان، حسین. «پژوهشی در زمینه‌های نظری و نتایج تجربی مهاجرت و باروری»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۵، (۱۳۷۹).
- ◀ محمودیان، حسین و مهدی رضایی. «زنان و کنش کم فرزندآوری، مطالعه موردی زنان کرد»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۴، ش ۵۵، (۱۳۹۱).
- ◀ محمودیان، حسین، احمد محمدپور و مهدی رضایی. «زمینه‌های کم فرزندآوری در استان کردستان، مطالعه موردی شهر سقز»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، سال ۴، ش ۸، (۱۳۸۸).
- ◀ مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*.
- ◀ منصوریان، محمدکریم و اعظم خوشنویس. «ترجیحات جنسی و گرایش‌های زنان همسردار به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۴، ش ۲ (پیاپی ۴۷)، (۱۳۸۵).
- Abbasi-Shavazi, M.J, & P. McDonald. 2005. "National and provincial-level fertility trends in Iran 1972- 2000", *Working Paper in Demography*.
- Abbasi-Shavazi, M.J, M. Hosseini- Chavoshi, & P. McDonald. "The path to below replacement fertility in the Islamic Republic of Iran", *Asia-Pacific population Journal*, 22 (2), (۲۰۰۷).
- Abbasi-Shavazi, M.J. 2000. Effects of marital fertility nuptiality on fertility transition in the Islamic Republic of Iran 1976-1986, *Working*

مطالعه‌ی تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندانِ دلخواه

Paper in Demography, NO.84, Canberra: Australian National University.

➤ Bongaarts, J, 2001. "The end of the fertility transition in the developed world". *Population and development review*, 28:419-443.

➤ Bongaarts, J, & R, G, Potter, 2011. "Fertility, Biology, and Behavior: An Analysis of the Proximate Determinants (Studies in Population)" Academic press.

➤ Caldwell, J. 1976. "Toward a restatement of demographic transition theory", *Population and development review*, 2(3/4): 321-366.

➤ Casterline, J. "Modelling diffusion effects in fertility transition", *Population studies*, 47(1): 147-167, (1993).

➤ Casterline, J. 2001. "Diffusion processes and fertility transition: selected perspectives", National research council. Available from the national academies press at: <http://www.nap.edu/catalog/10228.htm>.

➤ Easterlin, R. A., 1985. "The fertility revolution", Chicago: The Chicago University press.

➤ Easterlin, R. A., R. A. Pollard, & M. L. Watche, 1980, "Toward a more general, economic, model of fertility determination: endogenous preferences and natural fertility", in easterlin, R. a. (Ed.) *Population and economic change in developing countries*, Chicago: University of Chicago Press.

➤ Friedman, D., M. Hechter, & S. Kanazawa. "A Theory of the Value of Children", *Demography*, 31(3), (1994).

➤ Kiani, M, "Women's attitude to fertility in Iran: A case study in Isfahan", Iran, *the social sciences*, 6(6), (2011).

- Kreyenfeld, M and Konietzka 2008, “Education and fertility in Germany”, one chapter of Demographic change in Germany.
- Lam. Gigi 2007. “How does gender equity affect fertility in Hong Kong?” Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy. The Hong Kong University of Science and Technology.
- Reed, H. R. Briere, & Casterline, J. (1999). “The role of diffusion processes in fertility change in developing countries”, *National Research Council*. Available in: http://www.nap. Edu/ catalog. php? record_id=6475
- Robinson, C, W, “The theory of fertility over three decades”, *Population studies*, 51(1), (1997).